



گزارش تصویری فوتبال بانوان ایران و منتخب برلین

۲۲



در پایان سخت ترین فصل زندگی با آرمِن پطروسیان

افشین پیروانی: مکزیک خطرناک تر از پرتغال است

ستاره برمی گردد

ورزشی

۲۳



بله، دایی محبوب نیست

مهرزاد معدنچی: از انتقادات پروین لذت می بردم

سنگ مفت برای برانکو

۲۴

دقیقه صفر

نگران حنجره‌ها نباش

صدرا مهرابی

حسن غفاری نایب رئیس کنفدراسیون فوتبال غرب آسیا می گوید: «من در بازی اول دختران ایران در مسابقات غرب آسیا در جایگاه VIP نشسته بودم و با توجه به پیش بینی شکست تا گردن درون صندلی فرو رفته بودم. اما بازی که آغاز شد دختران ایران گل اول را زدند، گلی که باعث شد من کمی از داخل صندلی بیرون بیایم. . . او خاطره‌اش را این‌طور به پایان می‌رساند که ایران بازی را با ۵ گل به سود خود تمام کرد و او آخر بازی ایستاده بود تا همه ببینندش! تیم فوتبال بانوان ایران، تیم درخشانی بود که پس از دومی در غرب آسیا مدتی طولانی دور از انتظار بود اما در حالی که فوتبال ایران، با وجه غالب مردانه، در تدارک صعود به جام جهانی است، بانوان یک هفته فوتبال را در دست خود گرفتند.

بعد از ماجرای حضور زنان در استادیوم‌ها که با دستور رئیس‌جمهور، حتی در لایه لای خبرهای سیاسی نشریات، سوره قابل توجهی بود، دو نود دقیقه دوستانه بانوان ایران با تیمی از برلین آلمان حسایی مورد توجه قرار گرفت. تا جایی که سوای رسانه‌های داخلی که اکثر قریب به اتفاق آنان کمتر سراغ چنین سوره‌هایی می‌روند، خارجی‌ها نیز با فرستادن خبرنگار و فیلمبردار به تهران، با وسواس اولین مسابقه فوتبال یک تیم ایرانی را زیر ذره بین بردند.

نیوشا تولکیان، عکاس بین‌المللی که بیشتر برای خبرگزاری‌های خارجی کار می‌کند، می‌گوید: «ما برای اولین بار در تهران از یک مسابقه فوتبال زنان عکس می‌گرفتیم. به همین دلیل دستپاچه شده بودیم.» او به همراه کلی عکاس ایرانی و غیرایرانی دیگر در حالی پشت دروازه دنبال شکار لحظه‌ها بودند که زمین بازی پر از سوره‌های متحرک بود و بیرون نیز به اندازه تکت تکت تماشاگران! چیغ و داد تماشاگران که در هر دو بازی جمعه و شنبه با میدان‌داری دختران اکثراً مدرسه‌ای، جوی دوست داشتنی و کاملاً زنانه ایجاد می‌کرد. آنها البته در سروسوای استادیوم مبتدی بودند و به غیر از چند شعار معمول، در تشویق تیم ملی خودشان کم تجربه به نظر می‌رسیدند. اگرچه به واسطه حضور بعضی از نزدیکان و فک و فامیل بازیکنان، چهار پنج نفری با اسم مورد خطاب قرار می‌گرفتند.

بازیکنانی مثل خسرویار، وفضلی و کریمی در این بین معروف‌تر از بقیه بودند گرچه نه به شهرت مردهای فوتبال ایران و بازیکنانی مثل نیکبخت که یکی دو نفر از تماشاگران پیراهنی با اسم آنها را به تن کرده بودند! رامک میرمطلبی سرمربی تیم فووتسال بانوان پرسپولیس که هر دو بازی را از بغل زمین تماشا کرده، می‌گوید: «شور و هیجان عجیبی بود. دختراها واقعاً سنگ تمام می گذاشتند.» این نگران حنجره‌هاشان بودم. «و این مهمترین نکته از دو مسابقه‌ای است که با وجود سروسوهای پیرامونی، با تبلیغات جدی در سطح شهر مواجه نشد تا جمعیت بیشتری را به ورزشگاه خوش ساخت حوالی میدان ونک بکشاند. یکی از تماشاچیان باز بازی اول می‌گوید: «بعضی‌ها با خودشان بوق و شیپور هم آورده بودند. آنها به شدت پراثرزوی اند.» «این اثرزوی در میان تکت تکت بازیکنان تیم ملی اصلی و تیم جوانان نیز به چشم می‌خورد. عکس یادگاری آنان بعد از مسابقه با بازیکنان تیم منتخب برلین و هیاهویی که با سوت پانی داور به اوج می‌رسید، تمام و کمال دستیخت یکی پوشران تیم ایران بود. فوتبالیست‌هایی که پس از یک دور حضور در بازی‌های خارجی، هنوز تشنه مسابقات بیشتر هستند.

شهرزاد مظفر سرمربی تیم ملی با اشاره به اینکه در شرایط فعلی و برای رسیدن به مشخصات یک تیم حداقل استاندارد باید این تیم بیشتر از اینها به میدان برود، می‌گوید: «وقتی نقشاند بازی با آلمان رسید، تنها چیزی که اهمیت داشت، فتن خود بازی بود وگرنه برای ما مهم نبود که آنها حریف قدرتمندی هستند یا نه.» اما نتیجه بازی تیم ملی که با تساوی دو بر دو همراه بود ثابت می‌کند که تیم نه چندان مطرح برلین که شاید بتواند به زیرگروه بوندس لیگا صعود کند، از نظر کیفیت در سطح تیم ملی ماست که خوب، خبر خوبی برای ایرانیان عجول نیست. جماعتی که همیشه در رویای داشتن تیمی در سطح تیم ملی برزیل اند. اما واقعیت فعلاً این است که بازیکنان یک تیم درجه سه اروپایی از نظر نفس یک سرورگردن از بازیکنان ایرانی بالاتر بودند و البته در طرف مقابل سرعت و کار با توپ هماهنگ بچه‌های ایران توی چشم می‌زد. تا جایی که خبرنگارانی که از آلمان آمده بودند در لایه لای مصاحبه‌های خود مدام به این قابلیت‌های فنی اشاره می‌کردند. ZDF، BBC و CBS آمریکا از معروف ترین تلویزیون‌هایی بودند که به غیر از خبر خود بازی، قصد دارند مستندی از بازی‌های تیم بانوان تهیه کنند. تیمی که از این به بعد تجربه‌اش باز هم زیر ذره بین خواهد بود و به اندازه تیم مردان ایران و شاید هم کمی بیشتر برای خارجی‌ها جذاب است. تیمی که نیاز دارد به آن بیشتر توجه کنیم چرا که آن دختران معصوم برای پیشرفت نیازمند مايند. نیازمند به فضایی برای درخشیدن و فرصتی برای ستاره شدن و شاید روزی که دیگر هیچ تماشاگری آنها را با پسوند نیکبخت و زندی و غیره تشویق نکند. به آنها که می‌خواهند خودشان باشند، امیدوار باشیم.



خبر آخر

آخرین آزمایش

فیفا مقررات سخت و محکمی برای بازیکنان حاضر در جام جهانی در پیش گرفته که لیست بلندبالای آن در جیب برانکو ایوانکوویچ است. روز شنبه تست‌های آمادگی جسمانی اعضای تیم ملی در حضور نماینده فیفا به پایان رسید و آخرین قسمت هم مربوط به جام می‌شد؛ نمونه‌گیری برای آزمایش دوپینگ بود. دیروز نمونه‌های اخذ شده از بازیکنان به فدراسیون تحویل داده شد تا برای فیفا ارسال شود. یک هفته به شروع مسابقات جام جهانی تانچ آزمایش نمونه‌های بازیکنان از سوی فیفا اعلام می‌شود و اگر آزمایش بازیکنی مثبت شود از فهرست تیم ملی خط خواهد خورد.

فیروز با استقلال اهواز بست

فیروز کریمی با قراردادی به اعتبار یک سال هدایت استقلال اهواز را به دست گرفت. این قرارداد شنبه شب در دیی و در حضور برادران شفیع زاده به امضا رسید و طبق مفاد قرارداد ممکن است تا دو سال هم ادامه پیدا کند. فیروز کریمی، حبیب خضریان و افشین کماهی را به عنوان دستیاران خود انتخاب کرده و نکته جالب اینجا است که عبدالحمید رضضانی هم بعد از یکی دو سال دوری دوباره به‌عنوان سرپرست این تیم معرفی شده است. ظاهراً اولین حرکت فیروز کریمی هم چکشی و برق‌آسا است. شهرام شفیع زاده مدیرعامل فعلی استقلال گفته است که فیروز زحان ۱۲ بازیکن از بازیکنان فعلی را نمی‌خواهد و اسامی این ۱۲ نفر طی چند روز آینده اعلام خواهد شد. این بازیکنان حتی اگر قرارداد ۲ یا ۳ ساله با استقلال داشته باشند می‌توانند رضایتمانه‌شان را دریافت کنند و تیم بعدی‌شان را برگزینند.

شش هفته بدون رونی

«رون رینی» مهاجم جوان تیم فوتبال منچستر یونایتد انگلیس به علت مصدومیت به مدت شش هفته از حضور در میداین فوتبال بازماند. به گزارش خبرگزاری رویترز از منچسستر، رونی عصر روز شنبه در دیدار تیم منچستریونایتد با چلسی در چارچوب رقابت‌های فوتبال قهرمانی باشگاه‌های انگلیس که به برتری ۳ بر صفر تیم چلسی انجامید، از ناحیه پا دچار شکستگی شد. در این دیدار و در دقیقه ۷۸ بازی «رونی» توسط «پائولو فری‌را» بازیکن تیم چلسی با خط متوقف شد و به علت شدت آسیب دیدگی از زمین خارج شد. رونی که یکی از بازیکنان اصلی تیم ملی فوتبال انگلیس به‌شمار می‌رود در حالی دچار مصدومیت شدید شد که این تیم در مرحله نهایی مسابقات فوتبال جام جهانی ۲۰۰۶ آلمان روز دهم ژوئن در فرانکفورت به مصاف تیم پاراگوئه می‌رود. این بازیکن ۲۰ ساله که در ۲۹ بازی خود برای تیم ملی فوتبال انگلیس ۱۱ گل به ثمر رسانده است در مرحله یک چهارم نهایی مسابقات فوتبال جام ملت‌های اروپا در سال ۲۰۰۴ در دیدار مقابل تیم پرتغال میزبان این رقابت‌ها نیز دچار مصدومیت شده بود.

وصال روحانی: بله، ژوزه مورینیو یک مقام قهرمانی دیگر را به دست آورده است.

چلسی چنان با اقتدار و فاصله زیاد نسبت به رقیب‌مجدداً قهرمان لیگ برتر فوتبال انگلیس شد که در مقاطعی از فصل تمام جذابیت و رقابت‌های موجود در یک لیگ را از بین برده و همه چیز را از رونق انداخته بود.

با اینکه منچستر یونایتد در اواخر فصل بسیار خوب کار کرد و در ۱۳ بازی اخیرش ۱۱ برد به دست آورده، اما حقیقت آن است که به خاطر فاصله زیاد ایجاد شده توسط چلسی از اوایل فصل اسمال رقابتی در لیگ انگلیس در کار نبود. بازیکنان چلسی به خاطر داشتن تمرکزی فوق‌العاده بر کارشان و استمرار بخشیدن به حاکمیت خود باید مورد تحسین قرار گیرند و اکثر آنها ستودنی‌اند و تری، لمپارد، ماکلله و کاروالیو در این ارتباط تحسین‌برانگیزند، اما نقایص و مسائل‌ی هم در چلسی وجود دارد که بیشتر محصول عملکرد و بهتر بگوییم رفتار مورینیو است و اثر بدی را بر آذهان مردم گذاشته است. او مربی بسیار خوبی است و کاریزما و جذابیت زیادی هم دارد و به کلی متفاوت با سایرین است اما بیش از حد منفی و زیاده‌خواه است و گاه تلخی‌هایش یک ضدتبلیغ بزرگ برای چلسی است. این دفاعیه‌ای که می‌گوید تمام جنجال‌ها و بدلواها را مخصوصاً به‌راه می‌اندازد تا پیکان انتقادات متوجه او شود و تیمش راحت و بدون استرس بازی کند، حرف مقبول و فرضیه‌ای قابل پذیرش است، اما هر چه هست، مورینیو با عملکرد و حرف‌هایش از خود چه‌وای ساخته است که به جز هواداران چلسی سایرین دوستش ندارند. حتی خود چلسی هم به خاطر قهرمانی‌های مقتدرانه‌اش به تیمی منفور نزد دیگران بدل شده و اگر هواداران آبی‌های شهر لندن را نادیده بگیریم، کمتر تیمی از این حریف خوشش می‌آید و قاطبه مردم ترجیح می‌دهند که چلسی ببازد تا سایرین نفس بکشند و هر تیمی قهرمان بشود الا این تیم. وقتی مورینیو چندی پیش گفت که اگر چلسی ببازد، در انگلیس جشن و تعطیل عمومی اعلام می‌شود، ابتدا به نظر می‌رسید که شوخی می‌کند اما اینک مشخص شده که کاملاً درست می‌گفته است! یک فرضیه غلط در دو سال اخیر در جامعه فوتبال انگلیس وجود داشته و آن وابسته کردن فتوحات چلسی به پول‌های رومن آبراموویچ است. شما می‌توانید با عظیم‌ترین سرمایه‌های میلیاردری‌بهترین فوتبالیست‌های دنیا را در جایی جمع کنید، اما نمی‌توانید تیمی مثل چلسی را بسازید. این کاری است که فقط مورینیو می‌تواند انجام بدهد.

ولی همین مربی هوشمند پرتغالی که در تیم‌سازی استاد و در برنامه‌ریزی فوق‌العاده است، به طرز غریبی می‌تواند همه چیز را منفی جلوه دهد. شاید بعضی تکل‌های مایکل اسپن، حرکات تئاتر وار روبن و زبان بازی‌های دروگبا نیز باعث ایجاد نفرت از چلسی شده باشد اما سرآمد آنها خود مورینیو است. او هیچ‌گاه راضی نیست و همیشه چیزی بیشتر را می‌طلبد و چنان از قیافه‌اش غرور می‌برد که گاه از این همه سردی متحیر می‌شود و هیچ توجهی را بر این نمی‌یابد و پیوسته از خود می‌پرسد که چرا او دوست دارد دائماً مخالفت برانگیزد؟

■ **در فصل «بی‌رقابت»**

همه اینها وقتی عجب‌تر می‌شود که در نظر بگیریم مورینیو در فصلی دست به این کار زده که قهرمانی تیمش در لیگ برتر انگلیس از اواسط و بهتر بگوییم اوایل فصل قطعی

چلسی باز هم قهرمان شد

تقدیم به تو با عشق و نفرت

است. «و ننگر ابتدا تهدید به شکایت بر علیه مورینیو به سازمان‌های قضایی کرد و با اینکه این کار را هیچ‌گاه انجام نداد، اما مورینیو حتی از متهم کردن برخی حریفان دیگر نیز که برخلاف ونگر در کار تیم او و سایر تیم‌ها فضولی نکرده بودند، ابایی نداشت و با شلاق کلامش همه را می‌کوبید. بعد از شکست صفر- یک چلسی در برابر فولام که بیشتر بر اثر سردی شاگردان مورینیو به دلیل برتری بیش از حدشان بر تعقیب‌کنندگان خود در ابتدای فروردین ماه شکل گرفت، مورینیو بازیکنان فولام را منتهم به تلاش گسترده برای تأثیر گذاری بر داور کرد و هفته‌هایی بیشتر به شدت به لی مک‌کولچ مهاجم و یگان تاخته و گفته بود او دائماً خودش را به روی زمین پرت می‌کرده تا داور را بفریبد و وقت را بکشد. حتی بازی چلسی با وست برومویچ هم تبدیل به مجادله کلامی مورینیو با پرایان رابسون مربی حریف در لب خط شد و با این‌که مرد پرتغالی در آن روز

تو گویی «چلسی فعلی» بدون مورینیو وجود خارجی ندارد و این دو از یکدیگر تفکیک‌ناپذیرند و نمی‌توان این تیم احیا شده را بدون وی معنا کرد. با این حال مربی پرتغالی و هوشمند چلسی که عصر روز شنبه با کسب پیروزی قاطع ۳-۰ بر منچسטר یونایتد دومین قهرمانی متوالی تیمش را در لیگ برتر فوتبال انگلیس محقق ساخت، معترف است که در طول فصل رو به پایان یکی دو بار اتفاق افتاده که می‌خواسته است برود و به کلی از استنفوردبریج دور شود. با این حال او هیچ دلیل مشخصی را برای این رویکرد و اقدام عنوان نمی‌کند و حرف‌هایش پوشیده و مبهم است. در حالی‌که برق قهرمانی مقتدرانه و مجید در یکی از دشوارترین و معتبرترین لیگ‌های دنیا از روز شنبه تاکنون همچنان در استنفوردبریج پابرجاست و جشن بازیکنان و هواداران چلسی هنوز ادامه دارد، مربی سابق پورتو می‌گوید: «یکی دو بار در طول فصل به این نتیجه رسیدیم که بهتر است از چلسی بروم. با خودم گفتم درها را ببند و برو و پشت سرت را هم نگاه نکن. گفتم با هواداران خداحافظی می‌کنم و سپس سوار هواپیما می‌شوم.»

اما مورینیو ظاهراً تغییر عقیده داده و حالا به چنان چیزی نمی‌اندیشد. «گمان نکنید که حالا هم به فکر رفتن هستم. برعکس می‌خواهم بمانم و فصل بعد چلسی را صاحب سومین قهرمانی متوالی‌اش در لیگ برتر انگلیس کنم. این برای من یک انگیزه بزرگ و دلپیا برای ماندن است. اگر بمانم، دلیل بزرگ دیگرش علاقه زیادم به خود باشگاه و هواداران آن

حرف زیادی نزد و اعتراض و دشنام بیشتر از زبان رابسون شنیده می‌شد، اما به هر حال یک سوی قضیه مثل همیشه مورینیو بود.

■ **به یاد «دیزز»**

تردید نیست که این مسائل سبب شد تیم چلسی و نفرانش با دور ماندن از انتظار و با انتقال تمامی هوش و حواس مردم به سمت مورینیو راحت‌تر و بی‌استرس بازی کنند و نتیجه هم بگیرند، اما در عین حال خود مورینیو را چنان مورد انتقاد عموم قرار داده و منفور ساخته است که مسن‌ترها به یاد ایام حاکمیت لیدز و مربی مشهورش (دان روی) بر فوتبال انگلیس در حفاصل سال‌های ۱۹۶۸ تا ۱۹۷۵ افتاده‌اند. همان‌طور که پیشتر گفتیم، در دستاوردهای فنی و قدرت تیم‌سازی مورینیو هیچ شکی وجود ندارد و او استاد در ساختن تیم‌های متشکل است که هرگز به یک فرد متکی نیستند و فقط از انسجام و استحکام تیمی نشأت و نیرو می‌گیرند، اما یک وجه و دلیل عمده و مهم در قهرمانی اسمال چلسی در لیگ برتر انگلیس این بود که هیچ یک از حریفانش به واقع «حریف» نبودند و به‌رغم شهرت و اعتبار زیادشان جملگی در مرحله گذر به سر می‌بردند. منچسטר یونایتد با اشتباهی آشکار عذر «روی کین» را خواست و سپس پل اسکولز را هم بر اثر بیماری چشمی حاشیه نشین دید و در نتیجه تا پایان فصل مشکل خط میانی‌اش حل نشد و فقط وین رونی بود که قدرتمندانه می‌خرامید و گل می‌زد و گل می‌ساخت و تازه او نیز عصر شنبه در دیدار سرنوشت ساز با چلسی به شدت آسیب دید و حاشیه‌نشین شد. لیورپول چوب عدم بهره‌دهی خط حمله‌اش را می‌خورد و هر چند در هفته‌های پایانی پای سبسه و فالور و مورینتس به گلزنی باز شد، اما تا قبل از دائماً جرارد و رسه و گارسیا باید جور مهاجمان را می‌کشیدند و به جای فورواردهای تنبل تبدیل گلزنی می‌کردند و این تیم نیز به واقع مثل منچسטר بسیار دیر به راه افتاد و فقط وقتی شروع به فتح پیاپی مسابقات خود کرد که دیگر دیر شده و برتری چلسی بر این رقیب خیره‌کننده شده بود. آرسنال هم در طول فصل هرگز در لیگ داخلی جا نيفتاد و به محض اینکه در جام قهرمانان اروپا شروع به قدرت‌نمایی کرد، اندک هوش و حواس خود را هم که به لیگ برتر معطوف کرده بود، متوجه جام فوق کرد. با این حساب و توضیحات، چلسی در فصلی قهرمان

مجدد و مطلق لیگ برتر انگلیس شد که هرگز از سوی این حریفان به شکلی جانانه و وسیع تهدید نشد و منچسטר، لیورپول و آرسنال آنقدر لنگی داشتند که هرگز دست‌شان به مردان مورینیو نرسد و از ضعف «داخلی» تفنگداران همین بس که در هفته‌های اخیر حتی رتبه چهارمی لیگ را نیز که تضمین‌کننده واپسین سهمیه حضور در دور مقدماتی جام قهرمانان است، بیشتر در ید اختیار تیم مارتین پول هلندی (انتاهام) دیده و برای کسب آن واقعاً مشکل داشته‌اند.

■ **غیرقابل توجهی**

در این شرایط می‌شد پذیرفت که چرا چلسی در اواخر فصل هیچ انگیزه‌ای برای ارائه بازی‌های عالی نزد خود نمی‌یافت و سرد شده بود و باختن به فولام و تساوی با بیرمنگام و استون ویلا در همین تعریف می‌گنجد. ولی اگر این مسئله را هم بپذیریم، نمی‌توانیم تلخی پایان‌ناپذیر ذائقه مورینیو را قبول کنیم و آن را عاملی منفی برای مردی نیک‌نगर که جذایات‌اش غیرقابل انکار است، اما به طرز پیمارگونه و غریبی طلب است.

ادامه در صفحه ۲۴